عنوان:

غرض از عدم عدول!!!

|  |  |
| --- | --- |
| شناسنامه مطلب | |
| کد مطلب | e-b-59 |
| موضوع | معانی/اغراض عدول |
| رده | علمی/ادبیات عرب/بلاغت/تحقیقی پژوهشی/جواهر البلاغة/مثال و تمرین |
| برچسب | ایجاز، اغراض ذکر، اغراض عدول، ضمیر عائد در جمله صله، دعا، معرفت الله |
| توضیحات | 1. محتوای این فایل، پاسخ به [تمرین 490](https://eitaa.com/karbordeelm/1390) از تمارین [کانال کاربرد علوم حوزوی](https://eitaa.com/karbordeelm) در پیام‌رسان ایتا است. 2. در تولید این فایل از نرم‌افزار جامع الاحادیث متعلق به مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی استفاده شده است. |

**تمرین:**

«حدثني موسى بن جعفر ع قال: قال‏ قوم للصادق ع ندعو فلا يستجاب لنا قال لأنكم تدعون‏ من‏ لا تعرفونه[[1]](#footnote-1)»‏[[2]](#footnote-2)

«مراد از معرفتی که موجب استجابت دعا می‌شود لزوماً معرفت حقیقی مدعو تبارک‌وتعالی است و معرفت رایج بین اهل توحید ظاهر، برکت استجابت قطعی دعا را در پی ندارد.»

برای تأیید این ادعا از آموزه‌های علم معانی استفاده کنید.

**پاسخ:**

می‌توان برای این مدعا -مضافاً إلی الوجدان اولاً و کون السائل عن اهل التوحید بالضرورة ثانیاً- ذکر ضمیر مفعولی در تعرفونه را به‌عنوان شاهد تأیید ذکر نمود. زیرا حذف ضمیر منصوبی عائد از جمله صله علاوه بر اینکه قیاسی است فوق‌العاده رایج است به‌نحوی‌که می‌توان گفت اصل در این مورد با حذف است و نه ذکر[[3]](#footnote-3) و لذا برای ذکر به‌عنوان عدول می‌بایست دنبال غرض بود.

1. - البته در برخی از نقل‌ها، فعل «تعرفون» بدون ضمیر مفعولی ذکر شده است اما منابع اصیل‌تر و معتبرتر همراه با ضمیر می‌باشند. بلی، در کتاب تفسیر صافی چنین آمده است: «روي أن الصادق عليه السلام قرأ أمن يجيب المضطر إذا دعاه فسئل ما لنا ندعو و لا يستجاب لنا فقال لأنكم تدعون من لا تعرفون و تسألون ما لا تفهمون»‏ (تفسير الصافي، ج‏1، ص: 223)

   ذکر تفهمون شاهد بر تعرفون بدون ضمیر است لکن سند روایت بسیار موهون بوده و احتمال اضافه فقره اخیر توسط روات از باب تفسیر خبر ممکن است خصوصا با توجه به تأخر روایت این متن اخیر. البته صدر خبر طبق این نقل، شاهد خوبی است بر اینکه مراد از استجابت، استجابت قطعی است. [↑](#footnote-ref-1)
2. - التوحيد (للصدوق)؛ ص 288 [↑](#footnote-ref-2)
3. - اصولاً اصل بودن ذکر ازاین‌رو است که هدف عالی از استعمال لفظ یعنی مفاهمه متوقف بر ذکر دال (=لفظ) بوده و حذف بسترساز اختلال در مفاهمه است. لذا چنانچه قرینه قوی بر محذوف باشد و قواعد دستوری زبان -که مراعاتشان بر اغراض ظریف بلاغی مقدم است و در سایه آن‌ها نوبت به اغراض بلاغی می‌رسد- اجازه بدهند اصل با تخفیف و ایجاز کلام است چراکه مجال اختلال منتفی است. [↑](#footnote-ref-3)